

تاریخچهٔ مدرسهٔ «علمیهٔ اسلامیة» کرمانشاه

۱۲۸۰-۱۲۹۸ ش / ۱۹۰۱-۱۹۱۹ م

● محمدعلی علوی کیا*

اشاره

تأسیس مدارس جدید متأثر از دارالفنون در دوره قاجار، در شهرها و ولایات ایران باعث تحولات فرهنگی و آموزشی گسترده‌ای شد که بررسی این مدارس و آثار آنها یکی از رویه‌های فصل‌نامه گنجینه دارالفنون می‌باشد. در این شماره به بررسی تاریخچه مدرسه علمیه اسلامیة کرمانشاه می‌پردازیم.

نخستین واحدهای آموزشی به سبک نوین در کرمانشاه در میانهٔ سلطنت مظفرالدین شاه تأسیس شد. پایه‌گذاران مدارس جدید، دانش‌آموختگان «دارالفنون» و روشنفکران سنتی از حوزهٔ معارف دینی بودند.

در این میان، مدرسهٔ «علمیهٔ اسلامیة» جایگاه ویژه، ثبات و تداوم بیشتری داشت و در دورهٔ پراشوب جنبش مشروطه، تعارض و جدال احزاب سیاسی، فتنه سالارالدوله و جنگ بین‌الملل اول، چراغ دانش را روشن و پرچم مدرسه را بر پا نگه داشت؛ نقش پایه‌گذار مدرسه، «شیخ محمدتقی شیرازی»، در این پایداری و استحکام بسیار مؤثر بود.

شیخ محمدتقی شیرازی، روحانی معارف‌خواه در میانهٔ جدال مشروطه و استبداد قرار داشت. او با درک اهمیت و جایگاه مدارس جدید در تعلیم و تربیت اطفال، کوشید و با مشارکت در ساخت و مدیریت این نهاد نوپا، آن را به‌سوی مطلوب هدایت کند. تلاش او در بومی‌سازی آموزش نوین در کرمانشاه موجب تداوم فعالیت مدرسهٔ علمیهٔ اسلامیة در یک بازهٔ زمانی طوفانی (۱۲۸۰-۱۲۹۸ ش) شد.

* پژوهشگر حوزه تاریخ alialavikia1@gmail.com

■ مقدمه

موج نخست نوسازی نظام آموزشی در کرمانشاه، عصر مظفیری و در بازه زمانی (۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ ش) آغاز شد. این موج، کوتاه و در بیم و امید شکل گرفت و در قامت دو مدرسه و چند کلاس درس به ثمر نشست و تابلوی «مدرسه مبارکه» بر دیوار و فضایی که امید به فردای بهتر را نوید می داد، کوبیده شد. پایه گذاران مدارس جدید، دانش آموختگان دارالفنون و روشنفکران سنتی از حوزه معارف دینی بودند. کرمانشاه در این ایام به واسطه موقعیت جغرافیایی، ارتباط تجاری و اقتصادی با بین النهرین و تجارخانه های روس و انگلیس، استعداد فرهنگی آن را داشت که مؤسسات جدید تمدنی را در اندام اجتماع مدنی خود تأسیس نماید. نخستین مدارس جدید در کرمانشاه را یک مهندس دانش آموخته دارالفنون و یک یهودی نومسلمان تأسیس کردند، اما عمری کوتاه داشتند و در مقابل موج مخالف تاب نیاوردند. مدرسه علمیه اسلامی را یک روحانی معارف خواه که مدرس علوم دینی مسجد عمادالدوله بود، برپا کرد.

شیخ محمدتقی شیرازی در زمان جدال کهنه و نو راه میانه در پیش گرفته بود. او با درک اهمیت و جایگاه مدارس جدید در تعلیم و تربیت اطفال کوشید تا روش های بومی سازی این نهاد مدنی جدید را بیابد و آن را در چارچوب فرهنگ مذهبی به کار گیرد. راهکارهای او مؤثر شد و مدرسه علمیه در یک دوره طوفانی و پر آشوب به عنوان مهم ترین کانون آموزش نوین در کرمانشاه فعالیت خود را شروع کرد. این پژوهش با استفاده از منابع تاریخی و اسناد و مدارک موجود، فعالیت مدرسه علمیه اسلامی کرمانشاه را با تأکید بر نقش پایه گذار و مدیر مدرسه در بازه زمانی (۱۲۸۰-۱۲۹۸ ش) مورد بررسی قرار می دهد. نویسنده برای این بررسی از روش توصیفی و تحلیل داده های تاریخی استفاده کرده است و می کوشد با تکیه بر اسناد و مدارک موجود و قدیمی ترین راپورت معارف کرمانشاه تأسیس و تداوم این مدرسه را در بازه زمانی (۱۲۸۰-۱۲۹۸ ش) / ۱۹۰۱-۱۹۱۹ م) مورد بررسی قرار دهد.

- **فرضیه اصلی پژوهش:** پایه گذار مدرسه علمیه اسلامی، به عنوان بخشی از روحانیت سنت گرا از مشکلات ناشی از وارد کردن مدارس نوین به جامعه سنتی آگاه بود و می کوشید با حفظ ساختار اداری و دستورالعمل های وزارتی با یک رهیافت بومی، مسئله نوسازی نهاد آموزش را حل کند و آن را به خدمت گیرد.
- **پیشینه پژوهش:** متأسفانه جز یک برگه احصایه مدارس کرمانشاه (۱۲۹۳ ش) و گزارش مختصر سالنامه معارف کرمانشاه (۱۳۰۵ ش) درباره نحوه تنظیمات مدرسه، برنامه آموزشی، معلمان و نحوه امتحانات آن اطلاعات چندانی نداریم. گزارش تاریخی در این باره اندک و به اشارات مختصر محدود می شود.

■ گام‌های نخستین:

نخستین مدرسه به سبک نوین را (۱۳۱۷ق - ۱۲۷۸ش) یک مهندس جوان و دانش‌آموخته دارالفنون به نام «میرزا حسینعلی خان گوران» در بخشی از ساختمان و ملک خانوادگی خود در محله شترگلو واقع در ناحیه چنانی کرمانشاه بر پا کرد و بر آن نام مدرسه محتشمیه گذاشت. در همین زمان «شیخ محمد سعید عرب» که دانش‌آموخته مدارس خارجی و از بغداد به کرمانشاه آمده بود، به یاری چند تن از معاریف و روشنفکران محلی، مدرسه اسلامی را تأسیس کرد. (۱۲۷۸ش - ۱۳۱۷ق). این مدارس، نخستین نهادهای آموزشی جدید بودند که در کرمانشاه تأسیس شدند اما بیش از سه سال دوام و بقا نیافتند و در سال (۱۲۸۰ش) هر دو مدرسه تعطیل و منحل شدند (سلطانی ۱۳۰۵، ۷).

دربارۀ چگونگی تعطیلی این مدارس اطلاع دقیقی نداریم. «ایرج هندسی»، فرزند ارشد مهندس گوران، پایه‌گذار مدرسه محتشمیه، بر نقش ستیزه‌گراییه فرمان‌فرما با نهاد مدرسه که نماد تغییرات بود، تأکید می‌کند (هندسی ۱۳۸۲). منابع تاریخ محلی نیز این مدعا را تأیید می‌کنند. «فارغ از اندیشه اصلاحات بود و حوزه حکومت خود را مانند دارایی شخصی اداره می‌کرد، از بندوبست‌های مرکزی و دسته‌بندی و تحریکات محلی به‌خوبی آگاه بود و می‌دانست چگونه آن را خنثی کند و یا به سود خود از آن استفاده برد.» (سنجایی ۱۳۸۰، ۱۴۹)

■ اوضاع معارف کرمانشاه در عصر مشروطیت

صدور فرمان مشروطیت (۱۲۸۵ش) در کرمانشاه آغاز یک دوره طولانی تنازعات قومی، مجادلات محلی و غارتگری شد. دشمنان مشروطه، جمعیت، توان و تمکن مالی بیشتر داشتند و از پایگاه عشیره‌ای قوی‌تر برخوردار بودند. آنان گویا اینکه دریافتند که فرمان شاه و استقرار نظام مشروطیت آغاز سقوط و پریشانی احوال و زوال موقعیت و مالکیت آنان خواهد شد. در پی سقوط شهر به دست استبدادگرایان، سرکوب مشروطه خواهان آغاز شد.

پس از اندکی نظم و نسق، انتخابات دوره اول مجلس شوری ملی در کرمانشاه برگزار شد و آقایان «حاج محمد صالح» از طبقه شاهزادگان و «حاج ملک محمد» به نمایندگی از سوی تجار و کسبه و اصناف راهی مجلس شدند (سلطانی ۱۳۸۵، ۱۴۹)؛ اما این‌ها نتوانستند در تنظیم و بهبود شرایط معارف و فرهنگ شهر گامی بردارند. مدرسه علمیه اسلامیة علیرغم کاستی‌های فراوان و تنزل عده شاگردان به حیات خود ادامه داد. پس از به توپ بستن مجلس و ایام سیاه استبداد صغیر، بر قدرت دشمنان مشروطه و معارف نوین افزوده شد و حجم عناد با نهادهای مدنی جدید به‌ویژه با مدارس نوین بالا گرفت. تبلیغات با چاشنی القانات مذهبی موجب شد تا اندک رونق

روزهای نخست تأسیس مدارس جدید کاسته و دامنه دشمنی و تلاش در تخریب و تعطیل مدارس فزونی گیرد.

راپورت معارف کرمانشاه در سال (۱۳۰۵ ش) در این باره می‌نویسد: «در روزهایی که مدارس اولیه تأسیس می‌شد، یعنی در ایام قبل از انقلاب، عموم اهالی حتی همان اشخاصی که بعدها مخالف شدند با مدارس مساعد بودند ولی همین که دوره انقلاب شروع شد، معارف از یک طرف حامیان جدی و از طرفی مخالفین قوی پیدا کرد. ضدیت مخالفین به جایی رسید که در صدد القا شبهات به مقامات عالیه نیز برآمدند» (سلطانی ۱۱، ۱۳۰۵).

در پی سقوط محمدعلی شاه و سپری شدن دوره موسوم به استبداد صغیر، انتخابات مجلس دوم برگزار شد و کسانی در کرمانشاه به مجلس راه یافتند. مجلس دوم مشروطه به تاریخ (۷ ذی القعدة ۱۳۲۷ ق) افتتاح شد. خبر مسرت بخش آن موجی از شوق و امید برانگیخت. فریدالملک که در این ایام کارگزار مهمام امور خارجه در کرمانشاه بود. از دیگر اتفاقات این ایام که بر تیرگی اوضاع افزود و زندگی مردم را به تباهی و فساد کشاند، شورش شاهزاده خودشیفته و خیره‌سر قاجار، سالار الدوله، بود. او خود به تنهایی بلیه‌ای بزرگ بود و بر هر جا که پای گذاشت، جز فحطی و مرگ چیزی نماند. در روزگاران استیلای او دسته‌جات غارتگرش هر آنچه از اوراق و نوشته‌جات معارف بود، پریشان و نابود کردند. (سلطانی ۱۱، ۱۳۰۵). تا این که در سال (۱۳۳۰ ق/۱۲۹۱ ش) اردوی دولت مشروطه، شهر را آزاد و قوای طاغی سالارالدوله را بیرون ریختند.

■ مسئله مدارس نوین در نگاه روحانیون کرمانشاهی

یک روحانی کرمانشاهی از نخستین کوشندگان در باب آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن غرب و مؤسسات مدنی جدید به سبک اروپا، از جمله مدارس نوین بود؛ «آقا احمد کرمانشاهی». او در گزارش سفر خود که بر آن نام «مرآت الاحوال جهان‌نما» گذاشت، دانش و مشاهدات خود را در این باره بیان می‌کند.

گزارش آقا احمد کرمانشاهی را می‌توان از نخستین آگاهی‌های ما درباره مراکز فرهنگی و آموزش مغرب زمین در ایران دانست. او در کلکته، مدارس و مراکز آموزشی جدید را که توسط انگلیسی‌ها تأسیس شده بود، دیده و در گزارش سفر خود جزئیات جالبی از آن را بیان می‌کند؛ مانند حقوق ثابت مدرسین، آموزش رایگان برای فقرا، کتب آموزشی سهل و آسان همراه با تصویر، آموزش دانش‌ها و حرفه‌های نو، زبان‌های مختلف و.. «از الفبا گرفته تا به‌مراتب عالی را تمام به وضع مرغوب و به‌نوعی که سهل و آسان به دست آید، در کتب نوشتند». او رابطه آموزش نوین با معیشت و کسب‌وکار را نشان می‌دهد. «کتب و رسایل چند در بیان جزئی و کلی امور معیشت از طریق زن‌وشوهری و طباحی و نجاری و جراحی و بنایی و نقاشی

و جهاز (کشتی) رانی و حکومت و تجارت و غیره آن‌ها نوشته‌اند» و نقش مؤثر تصویرسازی در ارائه و درک بهتر متون آموزشی را مطرح می‌سازد. «در هر باب که قاعده بیان می‌کنند، تصویر آن را نیز به آن نهج که نوشته‌اند، نقش می‌نمایند که مطالعه کننده را حاجت به تعلیم و تربیت کمتر شود.» و می‌نمایند که موفقیت‌های آموزشی تنها شرط پیشرفت اداری است (کرمانشاهی ۱۳۷۳، ۸۸۳).

اما این روزگار دیگری بود. در جدال کهنه و نو و استبداد و مشروطه بینش‌ها و منافع سخت درهم تنیده شده بود. استقرار نهاد مدنی جدید به مثابه فتح سنگری بود که سنت‌گرایان آن را میراث تاریخی خود می‌دانستند. نهاد آموزش از ارکان قویم و قدیم جهان سنتی بود.

در این ایام و در برخورد با پدیده آموزش به سبک نوین و تأسیس مدارس جدید، روحانیون کرمانشاهی شیوه و درک متفاوتی داشتند. گروهی آن را زائیده تمدن فرنگی و نجس دانستند و در پی جدال با آن برآمدند و در تخریب اساس آن کوشیدند؛ کسانی چون «اشرف‌الواعظین» و «سید حسین حائری کربلایی» از این جمله بودند. اینان مدارس جدید را آلوده به شئون تمدن غرب مسیحی دانسته و با اتکا به دستخط و فتاوی‌ای پاره‌ای از مراجع و مجتهدین وقت، مقابله با آن را تکلیف شرعی خود پنداشتند (علوی کیا و رستمی گوران ۱۳۸۴، ۵۰-۵۹).

اما گروه دیگری از روحانیون برجسته کرمانشاهی دل‌بسته جنبش تجددخواهی بودند و با موج ملی‌نوسازی آموزشی همسو شدند و کوشیدند تا آن را در راستای فرهنگ دینی و منافع ملی تعبیر و تفسیر کنند. «سید حسین کزازی» و «عبدالحسین قوام‌العلماء» در این زمره قرار داشتند. اینان خود از لیدران و رهبران حزب دمکرات کرمانشاه بودند. کزازی یک‌چند ریاست معارف کرمانشاه را یافت (۱۳۰۲-۱۳۰۰ ش) و جان در راه توسعه مدارس نوین گذاشت؛ او به جرم تأسیس مدرسه دخترانه، ترور شد. (علوی کیا و رستمی گوران ۱۳۸۴، ۶۰-۶۵)

اما شیخ محمدتقی شیرازی، مؤسس مدرسه علمیه اسلامیة در میانه این دو جریان قرار داشت. او خود را از تنش‌های سیاسی دور نگه می‌داشت. نام او نه در دسته‌بندی مشروطه‌خواهان قرار داشت و نه در زمره استبدادگرایان بود. او با درایت می‌کوشید تا جنبش‌نوسازی و تأسیس مدارس نوین را با یک رهیافت قومی-مذهبی کنترل و مدیریت کند و با پذیرش وجوه حداقلی نظام نوین آموزشی، روح و جهت کلی آن را در خدمت شریعت اسلامی به کار گیرد.

در بدو تأسیس مدارس جدید، شیخ محمدتقی شیرازی با رویکردی معارف‌خواهانه با این جنبش مدنی همراه شد. وی بنا به دعوت شیخ محمد سعید، مؤسس مدرسه اسلامیة، امر تدریس قرآن و شرعیات اطفال را بر عهده گرفت و در اداره مدرسه با او معاونت داشت. این خود از عوامل رونق مدرسه و اقبال جامعه بدان بود؛ زیرا شیخ مورد

و ثوق جامعه بود و آحاد مردم او را مؤدب به اخلاق دینی و مردی فاضل می‌دانستند. تأسیس مدرسه علمیة اسلامیة: پس از تعطیل مدرسه اسلامیة، شیخ محمدتقی شیرازی، مدرسه علمیة اسلامیة را در سال (۱۲۸۰ ش) پایه‌گذاری کرد. شیخ محمدتقی، مدرس علوم دینی مدرسه عمادالدوله کرمانشاه بود و در آن به تدریس علوم دینی طلاب محلی اشتغال داشت. دانش وی در علوم ادبی، فقه، اصول و حکمت الهی را علما کرمانشاه تصدیق کرده بودند. (سازمان اسناد ملی ایران: شماره ردیف ۲۹۷۲-۲۴۶).

حسن شهرت شیخ و کسوت وی موجب شد تا اطفال و نوآموزان مدارس منحل شده به مدرسه علمیة اسلامیة آمده و به ادامه تحصیل در آن مشغول شوند. دوران فعالیت آموزشی مدرسه علمیة اسلامیة (۱۲۹۸-۱۲۸۰ خ) مقارن دوران پرآشوب و بحرانی مشروطیت و اتفاقات عظیم پس‌از آن در کرمانشاه بود.

در سال (۱۲۹۱ ش / ۱۳۳۰ ق) دولت مشروطه، میرزا اسماعیل خان معاضدالملک را به سمت کارگزاری و نمایندگی اوقاف و معارف کرمانشاه برگزید. انتخاب معاضد به نمایندگی معارف کرمانشاه یک اتفاق خوب و نقطه عطف در مسیر بهبود شرایط آموزش و فرهنگ ایالت بود. معاضدالملک، دیپلم دارالفنون داشت و در رشته طب تحصیل کرد و به دانش و تدبیر معروف بود (غیرت کرمانشاهی ۱۳۳۸، ۳۹). از نخستین اقدامات او سازمان‌دهی مدارس کرمانشاه و تنظیم امور معارف بود. در این ایام مدرسه اسلامیة نظم و انسجام آموزشی بهتری یافت.

■ ساختار اداری و آموزشی مدرسه علمیة اسلامیة

درباره ساختار اداری و آموزشی مدارس نوین در کرمانشاه پیش از انتخاب معاضدالملک به‌دشواری می‌توان اطلاعات و اسنادی یافت؛ زیرا اداره معارف کرمانشاه تا سال (۱۳۳۰ ق / ۱۲۹۰ ش) در ساختار و سازمان اداری وزارت معارف نماینده‌ای نداشت و در پی فتنه سالارالدوله اوراق، نوشته‌ها و دفاتر معارف نابود شدند. قدیمی‌ترین بسته اسنادی در معارف کرمانشاه، ورقه احصایه مدارس ایران است که در دایرة تعلیمات عمومی اداره معارف به تاریخ (۱۳۳۲ ق / ۱۲۹۳ ش) تهیه و تنظیم شده است.

بر پایه این گزارش اسنادی می‌توان در باب مکان مدرسه، برنامه آموزشی، تعداد کلاس‌ها، دانش‌آموزان و معلمان مدرسه علمیة اسلامیة به تفصیل بیشتر و دقت مبتنی بر اسناد سخن گفت. بر اساس این بسته اسنادی، مدرسه علمیة اسلامیة در این ایام در ملک اجاره‌ای واقع در محله سرتپه، یکی از محلات قدیمی شهر، قرار داشت. شیخ محمدتقی شیرازی ۵۳ سال داشت؛ او مؤسس مدرسه بود و کار مدیریت آن را نیز بر عهده داشت. «شیخ محمدعلی نراقی» که پیش از آن ناظم مدرسه علویه نجف اشرف بود، در نظامت مدرسه، او را یاری می‌کرد؛ هرچند که به هنگام تنظیم سند «به واسطه

قلت عایدات و تأخیر حقوق استعفا داده» بود.

مدرسه چهار پایه (کلاس) داشت. مدیر و مؤسس به «واسطه قلت عواید و وافی نبودن دخل مدرسه» خود، معلم پایه‌های سوم و چهارم بود. «مسیو عزرا»^۱ کلیمی، معلم فرانسه و «اعتضاد الکتاب» معلم مشق بود و «میرزا اسدالله محرم» ریاضی و «شیخ محمدتقی» دروس عربی را تدریس می‌کردند. میانگین سن معلمان ۳۶ و تحصیلات آنان عمدتاً علوم قدیمه بود.

دخل مدرسه ۳۰۰ قران بود که «سوی کرایه‌خانه و حقوق با مشق احوال از این مدرسه تاکنون نگهداری نموده و نگذارد فتنوری در تعلیمات آن حاصل شود و فعلاً دوپست تومان مقروض تا رأی اولیای امور معارف به چه تعلق گیرد. دانش‌آموزان مدرسه ۸۰ تن بود که ۸ نفر آن به‌طور مجانی تحصیل می‌کردند. (سازمان اسناد ملی ایران، شماره ردیف ۲۹۷۲ ۲۴۶)

کتب و برنامه آموزشی: مدارس جدید در این ایام، برنامه و کتب آموزشی ثابتی نداشتند. معمولاً مدیر و مؤسس برحسب ذوق و سلیقه خود، معلمینی را به خدمت می‌گرفت و بر اساس سرفصل‌ها، متون تعلیماتی مورد تأیید وزارت معارف را در برنامه آموزشی خود قرار می‌داد. بر اساس این سند کتب زیر در پایه‌های اول تا چهارم مدرسه علمیة اسلامیة تدریس می‌شد:

- **کلاس اول:** دستور دانش ۱، اصول دین از کتاب علی، علم‌الاشیا، دیکته و مشق ابتدایی.
- **کلاس دوم:** دستور دانش ۲، صد درس قرآن، علم‌الاشیا ۲، حساب (چهار عمل اصلی)، جغرافیای مهندس السلطان، فروع دین کتاب علی.
- **کلاس سوم:** قرآن و شرعیات، جامع احمدی، گلستان سعدی، تاریخ مقدماتی، جغرافیا، حساب، علم‌الاشیا ۳، سیاق و فرانسه.
- **کلاس چهارم:** قرآن با معنا، شرعیات جامع احمدی، گلستان با معنا و دستور فارسی ۳، حساب، جغرافیا، تاریخ، فرانسه، عربی (عمده‌الصرف)، علم‌الاشیا ۴. (سازمان اسناد ملی ایران، شماره ردیف ۲۹۷۲ ۲۴۶)

■ امتحانات مدارس کرمانشاه

قدیمی‌ترین گزارش درباره امتحانات مدارس کرمانشاه در خاطرات فرید، ذیل وقایع ذی‌قعدة سال (۱۳۳۱ق) آمده است؛ هرچند این گزارش مربوط به مدرسه علمیة اسلامیة نیست اما می‌توان بر اساس آن شیوه برگزاری امتحانات مدارس کرمانشاه در این ایام را دریافت. ابتدا مدیر مدرسه طی یک نامه رسمی، عده‌ای از مقامات دولتی،

1. Azraa

صاحب‌منصبان اداری و اولیای دانش‌آموزان را برای حضور در محل به‌منظور تقویت مدرسه و تشویق دانش‌آموزان دعوت می‌نمود، پس از حضور مقامات و جمعی از اولیای اطفال، امتحانات برگزار می‌شد. نخست امتحانات شفاهی گرفته می‌شد. معمولاً در آغاز از شاگردان خواندن سوره حمد و قل هو الله انتظار می‌رفت؛ سپس سوالاتی از دانش جغرافیا و علم‌الاشیا می‌شد؛ گاه مقامات برای سنجش آنان پرسش‌هایی می‌کردند «ژیمناستیک هم‌بازی می‌کردند... سپس امتحان کتبی گرفته می‌شد. اطلاعاتی امتحانات در روزنامه‌های محلی چاپ و از اولیای اطفال خواسته می‌شد جهت تشویق فرزندان خود احتمالاً دریافت اعانه به مدرسه در محل حضور یابند. (فریدالملک ۱۳۵۴، ۲۴۹)

↓ جمعی از مدیران
و معلمین مدارس
کرمانشاه - ۱۳۸۰
(از مجموعه اسناد
تصویری مرحوم
نظام‌الدین آل‌آقا)

■ مدرسه علمیة اسلامیة کرمانشاه در دوران تشکیل دولت موقت ملی

اندک آرامش در معارف کرمانشاه و مدارس آن با بروز جنگ بین‌الملل اول (۱۲۹۴-۱۲۹۸ ش) بار دیگر به هم ریخت. این دوره از طرفی مصادف با مهاجرت و ورود و خروج قشون روس و عثمانی و از طرفی به‌واسطه قطع ارتباط تجاری، اوضاع مدارس پریشان بود و در



پارهای از اوقات به واسطه حملات نیروهای متخاصم مدارس تعطیل می‌گردید. در این ایام، دولت مهاجرین وقت، مجال چندانی نیافت تا در انتظام مدارس کرمانشاه بکوشد. اتحادیه در ذیل شرحی که بر زندگانی رضا قلی خان مافی نگاشته، در توجیه سیاست فرهنگی مهاجرین می‌نویسد:

«هیئت دولت موقت از مسائل فرهنگی غافل نبود. در بین اسناد نظام‌السلطنه، مدارکی مربوط به سه مدرسه ابتدایی در کرمانشاه به اسامی نصرت، محمدیه و اسلامی موجود است که حاوی صورت خرید وسایل مورد نیاز مدرسه‌ها نیز هست، وسایلی نظیر میز، صندلی، تخته‌سیاه، زنگ و غیره. دروس دانش‌آموزان: فارسی، جغرافیا، تاریخ و حساب بود. در فهرست، حقوق آموزگاران که بین ۳ تا ۴ تومان بود، دیده می‌شود» (اتحادیه ۱۳۷۹، ۲۲۹).

لازم به یادآوری است که در این ایام به اصرار بعضی از مهاجرین، لغت علمیه از تابلوی مدرسه حذف شده و مدرسه موسوم به اسلامی گردید. جز این «در امتحانات مدرسه محمدیه و اسلامی چند نفر از مهاجران و اهالی مبلغی اعانه قبول نمودند که بعد از وضع مصارف، به هر کدام از این دو مدرسه ۱۲۱ تومان و کسری عاید گردید» (سلطانی ۱۳۸۵، ۲۴۹).

■ دلایل تداوم و پایداری مدرسه:

مدرسه علمیه اسلامی در آستانه جنبش مشروطیت شکل گرفت و در برهه طوفانی و حوادث پر آشوب پس از آن ایستادگی کرد و جز اندکی از ایام تعطیل نشد. بقا و تداوم مدرسه جز با درک رویکرد فرهنگی و آموزشی مدیر و مؤسس مدرسه ممکن نیست. «شیخ محمدتقی روحانی» تجددگرا نبود و در وقایع مشروطیت در کرمانشاه و دسته‌بندی‌های سیاسی آن، نام و نشانی از او دیده نمی‌شود. او دل‌بسته سنت‌های آموزش دینی و خود، دانش آموخته حوزه و مردی شریعتمدار بود و می‌کوشید با حفظ ساختار اداری و دستورالعمل‌های وزارتی، روح دینی و اصول آموزه‌های شریعت اسلامی را در برنامه‌های آموزشی مدرسه برجسته نماید و با رهیافتی بومی، مسئله‌نوسازی نهاد آموزشی را حل و آن را به خدمت بگیرد؛ بدین گونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. اختلاف شیخ محمدتقی با محمدسعید عرب. محمدسعید، شیخی متجدد و دانش آموخته مدارس خارجی و معلم زبان فرانسه بود و نمی‌توانست به فاکت‌های اقلی در شیوه اداره و آموزش مدرسه بسنده کند؛ لذا ادامه همکاری با شیخ محمدتقی را ممکن ندانست؛ در پی آن، مدرسه اسلامی تعطیل شد و شیخ محمد سعید، راهی همدان گردید.

۲. همراهی و حمایت فرمانفرما، حاکم کرمانشاه، با شیخ محمدتقی را نیز می‌توان

به واسطه این رهیافت بومی- مذهبی درک کرد، به ویژه اینکه در زمان فرمانفرما، مدارس محتشمیه و اسلامیة تعطیل شدند. یک روایت محلی مسبب اصلی تعطیلی و تخریب مدرسه محتشمیه را فرمانفرما می‌داند که توسط یک مهندس جوان و دانش‌آموخته دارالفنون تأسیس شده بود. فرمانفرما از دشمنان معارف نوین بود (هندسی ۱۳۸۳، مصاحبه)

۳. در جدال مشروطه و استبداد، مراکز اصلی سیاسی- اداری شهر یکسره به دست استبدادگرایان افتاد. مشروطه خواهان متواری و منزوی شدند و هر آنچه رنگ و بوی مشروطه و تجدد داشت، ویران گشت، اما مدرسه علمیه اسلامی از این طوفان به سلامتی گذشت و این ممکن نبود جز با درایت شیخ محمدتقی که به دین‌داری معروف بود و به زدوبندهای سیاسی دامن نیالود.

۴. تأمل در آموزه‌ها و برنامه‌های درسی مدرسه علمیه اسلامیة نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از آن، معارف دینی و تعلیمات مذهبی بود.

مدرسه علمیه اسلامیة تا زمان حیات شیخ محمدتقی شیرازی به‌عنوان یک مدرسه ملی و غیردولتی به آموزش اطفال مشغول بود. شیخ تا سال (۱۲۹۸ ش) مدیریت و اداره مدرسه را بر عهده داشت. در پی درگذشت شیخ در تاریخ ذکر شده، مدرسه با نام مدرسه اسلامی، نمره ۲، به حیات آموزشی خود تا مدت‌ها ادامه داد.

■ سخن پایانی:

تأسیس مدرسه به سبک جدید از معدود نهادهای مدنی نوین بود که عده‌ای از روحانیون و دانش‌آموختگان حوزه‌های دینی در اندیشه ورود به آن برآمدند و کوشیدند با مشارکت در ساخت و مدیریت آن، این نهاد را به سمت‌وسوی مطلوب و مقبول محافل مذهبی- سنتی هدایت کنند زیرا باید با اندک دخل و تصرف و تغییراتی چند، نظام مکتب‌خانه‌ای را نوسازی و آن را در چارچوب مدارس جدید جلوه‌آرایی کنند.

تدریس الفبایی مهم‌ترین تغییر در روند تبدیل مکتب‌خانه به مدرسه بود. جز زبان فرانسه، درس آموزشی غالباً بر گرفته و بر اساس متون دینی و ادبیات کلاسیک و سنتی ایرانی تألیف شده بود. قرآن و گلستان سعدی از پایه‌های ثابت این آموزش بودند.

از سوی دیگر روحانیون با اندک نگرش نو و درک سازوکار آموزش جدید می‌توانستند خود را با این سیستم، هماهنگ کنند و حتی کارکرد آن را دینی و بومی سازند. آنان آموزش شرعیات را در تمام کلاس‌ها جاری و برای کاستن تنش‌ها و تعارض‌ها در نام‌گذاری، آرم و نشانه و مهر مدرسه، تعرفه‌های دینی را به کار می‌بستند و آیات و روایات مذهبی را حک می‌کردند.

گذشته از آن، نهاد آموزش، پیش از این در انحصار حوزه‌های دینی بود و آموزگاران

آن یعنی روحانیون، خود، درس خوانده و تربیت‌شده آن بودند. لذا برخلاف عده ای از روحانیون سنت‌گرا، اینها روش آمیخته با درایت و دوراندیشی را برگزیدند و در تأسیس مدارس جدید مشارکت کردند و گاه خود در مقام مؤسس مدرسه برآمدند و مدیریت آن را به دست گرفتند. یک نمونه از این مدارس، مدرسه علمیه اسلامیة کرمانشاه بود که به همت و تلاش شیخ محمدتقی شیرازی در سال (۱۲۸۰ ش) تأسیس شد.

منابع

۱. اتحادیه، منصوره. ۱۳۷۹. رضا قلی خان نظام‌السلطنه: زندگی سیاسی. تهران: نشر تاریخ ایران.
۲. اوین، اوژن. ۱۳۶۲. ایران امروز. ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
۳. بلوک باشی، علی. ۱۳۸۵. چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در بنیان‌گیری آموزش نوین. حافظ. شماره ۳۲.
۴. رینگر، ام. مونیکا. ۱۳۷۹. مدارس نوین در ایران قرن نوزدهم. ایران نامه. سال ۱۸، شماره ۷۰.
۵. رینگر، ام. مونیکا. ۱۳۸۱. آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.
۶. سازمان اسناد ملی ایران. برگه‌های احصاییه مدارس ایران. ۱۳۳ ق. ردیف ۲۹۷۲۶۸۴۲.
۷. سلطانی، عبدالحسین خان. ۱۳۰۵. سالنامه معارف کرمانشاهان. کرمانشاه: مطبوعه سعادت.
۸. سلطانی، محمدعلی. ۱۳۸۵. نهضت مشروطیت در کرمانشاه و کنگاور: یادداشت‌ها و خاطرات میرزا فرج‌الله خان معتمدی و امان‌الله ساری اصلان. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۹. سمیعی کیوان، غلامرضا. ۱۳۶۳. زندگانی سردار کابلی. تهران: زوار.
۱۰. سنجایی، علی‌اکبر خان، سردار مقتدر. ۱۳۸۰. ایل سنجایی و مجاهدت ملی ایران. تحریر و تحشیه کریم سنجایی، تهران: شیرازه.
۱۱. شاکری، باقر. ۱۳۳۷. تذکره مختصر شعرای کرمانشاه و انجمن‌های ادبی و مطبوعات. کرمانشاه: سعادت.
۱۲. صدیق، عیسی. ۱۳۴۹. تاریخ فرهنگ ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. علوی کیا، محمدعلی، و محسن رستمی گوران. ۱۳۸۴. تاریخ آموزش و پرورش نوین کرمانشاه. کرمانشاه: طاق‌بستان.
۱۴. غیرت کرمانشاهی، عبدالکریم. ۱۳۳۸. کلیات آثار سید عبدالکریم غیرت. به کوشش محمد سعید غیرت، تهران: چاپخانه فردوسی.
۱۵. کرمانشاهی، آقا احمد. ۱۳۷۳. مرآت الاحوال جهان‌نما: سفرنامه. قم: انصاریان.
۱۶. لاهوتی، ابوالقاسم. ۱۳۵۸. کلیات اشعار لاهوتی. تهران: امیرکبیر.
۱۷. همدانی، فریدالملک. ۱۳۵۳. خاطرات فرید، گردآوری مسعود فرید، تهران: زوار.
۱۸. هندسی، ایرج. ۱۳۸۲. مصاحبه.